

بررسی تأثیر ظرفیت مکانی بر دل‌بستگی به مکان از منظر گروه نوجوان در شهر تهران^۱

زهرا خدائی - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
مجتبی رفیعیان* - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
هاشم داداش‌پور - استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
علی‌اکبر تقوایی - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

تأیید مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۹

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر ظرفیت مکانی بر دل‌بستگی به مکان در منتخبی از محلات شهر تهران اختصاص دارد. روش این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی بوده است و داده‌های مورد نیاز با استفاده از توزیع ۴۷۵ پرسش‌نامه و مطالعات میدانی و نیز مصاحبه‌های حضوری با نوجوانان در رده سنی ۱۲ تا ۱۶ سال از محلات الهیه، نارمک، هاشمی و یافت‌آباد که به روش طبقه‌ای سیستماتیک انتخاب شده بودند، به دست آمد. هدف کلی پژوهش حاضر، تعیین روابط علی میان مؤلفه‌های ظرفیت‌های مکانی بر شاخص دل‌بستگی به مکان و تبیین معناداری یا عدم معناداری آنها در محلات منتخب است. بدین منظور از آزمون پارامتریک F و نیز آزمون Tukey استفاده شد. در تمام متغیرهای شاخص ظرفیت مکانی بین محله‌های تحت بررسی تفاوت معنادار وجود داشت. نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد محله هاشمی کمترین میزان ظرفیت مکانی را در بین محله‌ها دارا است و بیشترین ظرفیت مکانی متعلق به محله الهیه است. برای سنجش رابطه دو متغیر، ضریب همبستگی پیرسون به کار گرفته شد و برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های متغیر مستقل (ظرفیت مکانی) بر متغیر وابسته (دل‌بستگی به محله) از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش Stepwise استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد بین سه مؤلفه ظرفیت مکانی (ادراک محیط، امکانات محله و ویژگی‌های زیست‌محیطی) که در معادله رگرسیون باقی مانده‌اند، با متغیر دل‌بستگی به محله همبستگی چندگانه قوی برقرار است. در مجموع سه مؤلفه ظرفیت مکانی حدود ۳۷ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کنند که با توجه به توزیع F، همه ضرایب همبستگی و ضرایب تبیین معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری کل است.

کلیدواژه‌ها: دل‌بستگی به مکان، سرمایه کالبدی، شهر تهران، ظرفیت مکانی، نوجوانان

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری مؤلف اول در رشته شهرسازی با عنوان تبیین ظرفیت‌های اجتماعی- مکانی محیط‌های عمومی شهری از منظر گروه نوجوان در شهر تهران است که تحت راهنمایی مؤلف دوم و سوم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

* E- mail: rafiei_m@modares.ac.ir

نویسنده مسئول: تلفن: ۸۰۱۱۰۰۱، نمابر: ۸۰۰۸۰۹۰

مقدمه

جامعه انسانی مرکب از گروه‌های سنی و جنسی متفاوتی است که در کنار نیازهای مشترک، بنا به ویژگی‌هایشان، مطالبات خاصی دارند که فضا و امکانات شهر می‌باید با توجه به این خصیصه‌ها، پاسخ‌گوی آن باشد. استفاده از محیط‌های عمومی تجربه‌ای است که برای همه افراد یکسان نیست. متغیرهایی نظیر سن، جنس، گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های قومی و نژادی بر چگونگی درک زندگی شهری اثر می‌گذارند. بررسی نیازها و مشکلاتی که کودکان در محیط‌های شهری با آن مواجه‌اند و طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری به گونه‌ای که آنان را به حضور فعال در شهر تشویق کند، می‌تواند موجب ارتقای کیفیت این فضا برای همگان گردد. به بیان دیگر، بررسی محیط‌های عمومی شهری با توجه به نیازهای کودکان و نوجوانان و نیز افزایش دلبستگی آنان به این محیط‌ها از یک سو و برقراری عدالت سنی در فرایند برنامه‌ریزی شهری، از سوی دیگر می‌تواند به بهبود محیط‌های انسانی در شهر و حضور مؤثر همه گروه‌ها در تولید و بازتولید فرهنگی شهر کمک کند. به نظر می‌رسد که مسئله اصلی، انفصال بین مفهوم دوران کودکی و محیط شهری است. شاید این انفصال ریشه در تفکری دارد که در آن به کودک به عنوان حسی طبیعی، ساده و معصوم و به محیط شهری به عنوان مجموعه‌ای پیچیده و پرمخاطره نگریسته می‌شود که در آن موقعیت کودکان رو به زوال است. ترس از ناامنی و تناسب نداشتن فضای باز شهرها با شرایط فیزیکی و روانی کودکان، آنها را مجبور به عقب‌نشینی از فضاهای عمومی به فضاهای خصوصی و از فضای محله‌ها به درون خانه‌ها کرده است. نقش اصلی مدیران شهری باید تبدیل این فضاهای باز به مکان تعاملات اجتماعی کودکان و محیط نمادین برای افزایش حس تعلق و دلبستگی در آنها باشد. از لحاظ کاربردی، محیط دوستدار کودک به بچه‌ها این امکان را می‌دهد تا ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مکان را محقق کنند و از طرفی این تعاملات به واسطه کاربرد روزانه به کودکان امکان می‌دهد که احساسات و عواطف خود را درباره مکان بسط دهند و نقش جدیدی برای مکان و خود، به واسطه کاربرد مکرر و تحقق قابلیت‌های مکان تصور کنند (منصوری و قره‌بیگلو، ۱۳۹۰: ۷۰).

میزان دلبستگی به مکان از جمله شاخص‌هایی است که نشان می‌دهد این مطالبات به چه میزان پاسخ داده شده است. این بدان معناست که در فرایند مناسب‌سازی محیط‌های شهری، لازم است فضاهایی خلق شود که ضمن تطابق با نیازهای امروز واجد عناصر لازم برای تحقق عدالت سنی باشد. از آنجا که ساکنان شهرها حقوق برابر در استفاده از این فضاها دارند، ایجاد فضاهایی مناسب و مطلوب برای گروه‌های سنی و جنسی مختلف اهمیت زیادی یافته است. در کشور ما اخیراً توجهات ارزشمندی به گروه‌های خاص اجتماعی (بانوان، سالمندان، معلولان) معطوف شده است که آثار عملی آن را به تدریج می‌توان مشاهده کرد، اما راهکارهایی که بتواند نیازهای کودکان و به‌ویژه نوجوانان را پاسخ گوید هنوز اتخاذ نشده است.

این پژوهش با درک اهمیت رویکرد توجه به خواسته و نیاز گروه سنی و جنسی ۱۲-۱۶ سال، به دنبال بررسی تبیین ظرفیت‌های اجتماعی- کالبدی محیط‌های عمومی شهری برای ارتقای دلبستگی به مکان در شهر تهران است. نقش برنامه‌ریزی در زمینه سازش با محیط پیرامون و برقراری ارتباط متقابل و هدایت فعالیت‌ها و اصلاح ظرفیت سیستم در دستیابی به اهداف ساکنان به‌طور مستقیم از ارزش‌ها و هنجارهای عاملان آنها تأثیر می‌پذیرد. در این میان، به ظرفیت

اجتماعات محلی^۱ به عنوان یکی از نظریه‌های مطرح در این زمینه توجه شده است. در این نظریه بر رویکردهای اجتماع‌محور با توجه به مقیاس محلی در برنامه‌ریزی و استفاده از فرایندهای پایین به بالا تأکید می‌شود. با در نظر گرفتن نقش محله به عنوان یک عنصر با اهمیت در محیط‌های عمومی شهری و همچنین تقویت مکانیسم حضور کودکان در محیط‌های عمومی شهری، تلاش می‌شود با اتخاذ نگرش‌های برنامه‌ریزانه، راهکارهای مداخله در جهت بهبود و افزایش اثربخشی حضور گروه‌های سنی و جنسی در محلات منتخب از شهر تهران بر پایه دیدگاه‌های اخذشده از نوجوانان، ارائه شود. این مهم و نیز ضرورت بهینه‌سازی محله برای پاسخ‌گویی به بخشی از نیازهای اساسی زندگی شهری و نقشی که می‌تواند در جهت ارتقای کمی و کیفی زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر مؤثر افتد، مبنای این پژوهش بوده است. سوال اصلی این تحقیق این است که آیا ظرفیت مکانی در محیط‌های شهری بر دلبستگی نوجوانان و تعلق مکانی آنان با فضاهای شهری تأثیرگذار است؟

مبانی نظری

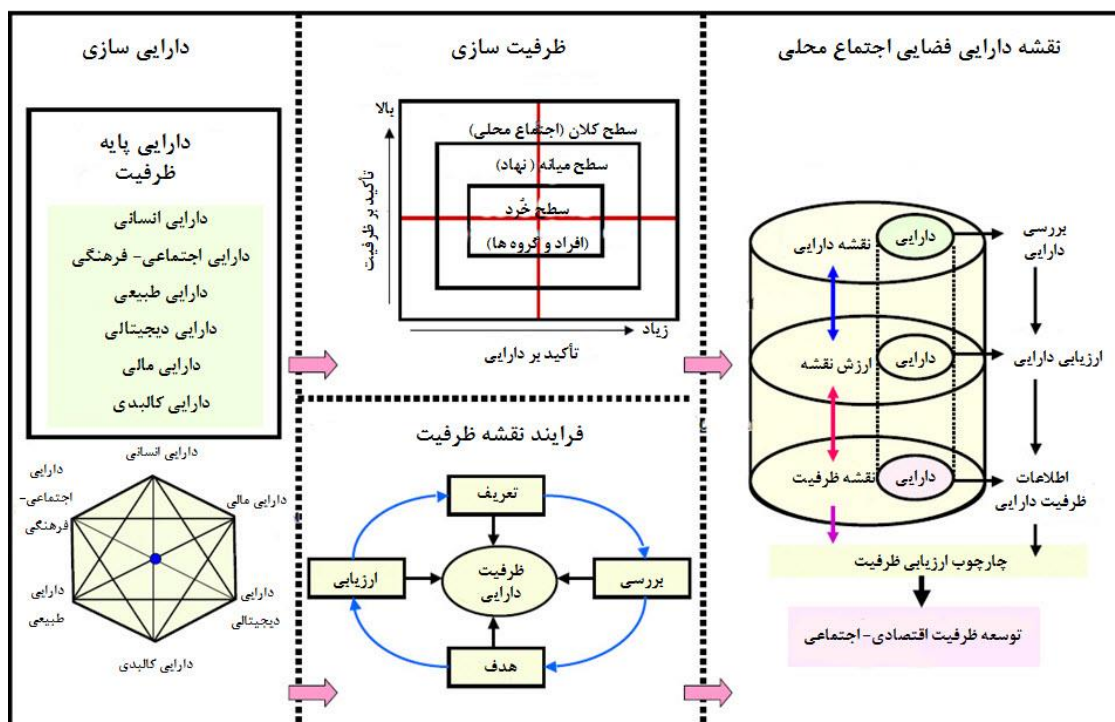
ظرفیت اجتماعات محلی

امروزه جوامع با توده پیچیده‌ای از نیازها و مشکلات روبه‌رو شده‌اند. از طرفی هر اجتماع محلی مجموعه‌ای منحصر به فرد از مهارت‌ها و ظرفیت‌ها برای توسعه اجتماع محلی خود دارد. کرتزمن و مک نایت (۱۹۹۳)، بر این باورند که محله‌ها می‌توانند خود فرایند توسعه را از طریق شناسایی و تجهیز دارایی‌های موجود (که اغلب ناشناخته‌اند) هدایت کنند تا به وسیله آن بتوان فرصت‌های محلی را برای تغییرات مثبت ایجاد کرد. ظرفیت اجتماعات محلی عمدتاً در تلاش برای جبران خسارت، ارتقای سلامت، بهبود زندگی شهری و اجتماعی و تقویت اهداف تغییرات اجتماعی است و با مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و عملکردها به طرق مختلف مرتبط است و با مفاهیمی همچون سرمایه اجتماعی، توانمندسازی اجتماعات محلی، برنامه‌ریزی اجتماعی دارایی مبنا و مشارکت اجتماعی ارتباط دارد (Verity, 2007: 10). محققان بر این باورند که ظرفیت اجتماعات محلی می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت حمایت از مسائل مرتبط با ساختارهای اجتماعی و انسانی پیش روی، ابزار اجتماعی برنامه‌ریزی و ابزاری در جهت توانمندسازی به کار آید. نکته کلیدی دیگر آن است که برخی مشخصاً فرایند ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی را در تغییرات سیستمی و ساختاری وسیع‌تری در نظر می‌گیرند؛ در حالی که از نظر برخی دیگر این مفهوم درباره تغییرات سیستمی گسترده‌تر نیست و تغییرات مربوط به آن در سطح سیستم «اجتماعات محلی» قابل اجرا است. در واقع به کار گرفتن ظرفیت‌های موجود در اجتماعات محلی، مزایایی را به دنبال دارد که عبارتند از:

توانمندسازی افراد و گروه‌ها در اجتماعات محلی مشخص، توسعه مهارت‌ها، دانش و اطمینان، افزایش پیوندهای اجتماعی و ارتباطات، توزیع خدمات تأثیرگذار و سیاست‌های مبتنی بر نیازهای اجتماعات محلی و راه‌حل‌های آن، مباحثات و گفت‌ووشنودهای گروه‌ها در اجتماعات محلی، مشارکت و درگیر شدن ذی‌نفعان در اجتماعات محلی،

1. Community Capacity Building

تصمیم‌سازان تأثیرگذار و پاسخ‌گو، بسیج منابع برای نیازهای مربوط به اجتماعات محلی و پذیرش برنامه‌هایی که منجر به توسعه اجتماعات محلی می‌شود (4: Chapman and Kirk, 2001).



شکل ۱. مدل مفهومی ظرفیت دارایی‌مبنای اجتماعات محلی (7: LIOU, 2004)

عارفی (۲۰۰۸)، ظرفیت اجتماعات محلی را بر پایهٔ مجموع دارایی‌های مالی، کالبدی و اجتماعی دانسته است و معتقد است سرمایه‌های مربوط به اجتماعات محلی نوعاً سرمایهٔ اجتماعی و کالبدی را به‌طور توأمان شامل می‌شود که از آن تحت عنوان «توسعهٔ دارایی‌مبنای اجتماعات محلی»^۱ یاد می‌شود. این نوع سرمایه مبتنی بر اعتقاد به کشف دارایی‌ها، ظرفیت‌ها و فرصت‌های اجتماع محلی بوده و مشتمل بر شناسایی و بهره‌برداری از همهٔ دارایی‌های بالقوه در محله است. دارایی‌های محله دربرگیرندهٔ مهارت‌ها و استعداد‌های افراد، ظرفیت سازمانی، ارتباطات سیاسی، ساختمان‌ها، تسهیلات و منابع مالی است (5: wilke, 2006). بنابراین با توجه به تعاریف ذکرشده، می‌توان ظرفیت اجتماع محلی را بدین شکل تعریف کرد: «فعالیت‌ها، منابع و حمایتی که مهارت‌ها و توانایی‌های مردم و گروه‌های اجتماع محلی را تقویت می‌کنند تا گام‌های مؤثری را بردارند و نقش‌هایی را در راستای توسعهٔ اجتماع محلی‌شان ایفا کنند». ظرفیت اجتماعات محلی متأثر از تعهدات یک اجتماع، منابع و مهارت‌هایی است که می‌تواند به کار گرفته شود تا نقاط قوت اجتماعات محلی ایجاد گردیده و مشکلات و فرصت‌های آن تعیین شود. در ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی، تجارب فراوانی از مدل‌ها و استراتژی‌های اجرایی به چشم می‌خورد که در مسائلی همچون مشارکت اجتماعات محلی، برنامه‌ریزی اجتماعی،

نیازسنجی، شکل‌گیری و توسعهٔ اجتماعات محلی، ایجاد سرمایهٔ اجتماعی و انسانی به‌کار گرفته می‌شود». در این میان، تأکید ویژه بر ظرفیت مکانی در قالب «کیفیت محیط کالبدی» است که به بررسی ویژگی‌های عینی محیط مسکونی، ارزیابی ذهنی از کیفیت آنها، واکنش اثرگذار بر مکان‌هایی که مردم روزانه با آنها سروکار دارند و فعالیت‌هایی که در محیط‌های شهری انجام می‌گیرند، اطلاق می‌شود. این ظرفیت‌های مکانی بایستی با ساختار مکان پیوند بخورند. شکل ۱ رویکرد دارایی‌مبنا را در ارتباط با ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی ارائه می‌کند که از سه لایه، متشکل از ظرفیت دارایی‌مبنا، ظرفیت‌سازی و نقشهٔ دارایی فضایی اجتماعات محله‌ای تشکیل شده است.

دلبستگی به مکان

مطالعات در زمینه دلبستگی برای اولین بار در ارتباط بین کادر درمان و کودک و این که چگونه کودکان در فرایند درمان، اعتماد خود را به کادر درمان توسعه می‌دهند، مورد بررسی قرار گرفت (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷). سپس روان‌شناسان رشد در مراحل بعدی زندگی فرد، دربارهٔ حس دلبستگی مطالعه کردند. حس دلبستگی به مکان در آغاز، علاقهٔ انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به‌منظور مطالعهٔ رابطهٔ انسان و مکان‌های مقدس به خود جلب کرد. طی تحولات شهرسازی مدرن در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ متأثر از عواقب ناشی از فرایند جهانی شدن و نقل مکان اجباری مردم اهمیت توجه به مکان زندگی مردم افزایش یافت. به دلیل تغییر و تحولات سریع ماحصل زندگی مدرن و هماهنگی و تطابق با مکان‌های زندگی جدید، دلبستگی اهمیت بیشتری در مطالعات امروزی یافته است (قاضی‌زاده، ۱۳۹۰). بخشی از این علایق ناشی از آگاهی نسبت به پیوندهای انسان-مکان است که بر اثر افزایش تحرک و تجاوز تخریب‌گرایانه به محیط بااهمیت شده‌اند (Sanders & Bowie, 2003), (Relph, 1976). دلبستگی به مکان دربرگیرندهٔ علقه‌هایی است که بین افراد و محیط‌های معنادار^۱ رخ می‌دهد که در چند سال اخیر توجه جامعهٔ علمی (Low & Altman, 1992), (Giuliani, 2003) را به خود جلب کرده است. اگر از زاویهٔ نیازهای انسان نیز به این مسئله نظاره کنیم، نیاز انسان به تعامل عاطفی با مکانی که در آن زندگی می‌کند، یا به عبارتی، «دلبستگی به مکان» از جمله مهم‌ترین ابعاد رابطهٔ انسان و مکان است که می‌بایست مورد توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷). مکان تنها یک سرپناه برای فعالیت‌های انسان نیست، بلکه پدیده‌ای است که انسان در تعامل با آن بدان معنا می‌بخشد و به آن دلبسته می‌شود، تا آنجا که گاه حتی خود را با آن باز می‌شناسد. از دههٔ ۱۹۷۰، علاقهٔ فراوانی به بررسی و شناخت نحوهٔ ادراک، دلبستگی و تعلق مردم به مکان وجود داشته است. بررسی گفتمان احساسات عاطفی مردم به مکان (ها) مملو از منابع مختلفی است که در میان چندین مفهوم کلیدی، مشابهت [معنایی] دارند. این مفاهیم شامل دلبستگی به مکان (Altman & Low, 1992)، توپوفیلیا^۲ (Tuan, 1974)، درون‌بودن (Rowles, 1983)، هویت مکان

1. Meaningful environments

۲. واژه‌ای است که نخستین بار آن را شاعر انگلیسی جان بتجمن (John Betjeman) برای ابراز عشق به مکان خاصی به‌کار گرفت. این واژه ناظر است به حس مکانی قوی که اغلب با احساس هویت فرهنگی میان مردمی خاص و جنبه‌های خاصی از عشق به مکان آمیخته می‌شود.

(Proshansky, Fabian, Kaminoff, 1983), (Twigger-Ross & Uzzell, 1996) و حس مکان - ریشه‌داری (Relph, 1976); (Tuan, 1980) است. هر چند، اشتراکاتی میان عواملی مانند علقه‌های عاطفی، وابستگی، الزامات رفتاری، رضایت و تعلق که کمابیش مرتبط با توصیفات نظری فوق‌اند، دیده می‌شود، اما ابهام و نبود شفافیت درباره روابط میان این مفاهیم به پیچیدگی این حوزه مطالعاتی دامن می‌زند (Chow & Healey, 2008: 363).

مفهوم دل‌بستگی به مکان در قلمرو معانی محیطی و ارتباطی قرار گرفته است. معنی، مرتبط با جنبه‌های روانی و ادراکی تجربه محیط در این محدوده است، دل‌بستگی به مکان، شکلی از پیوند یا علقه میان فرد و محیط در نظر گرفته می‌شود (Moore & Graefe, 1994), (Hidalgo & Hernandez, 2001). دل‌بستگی به مکان بازتاب‌دهنده آن دسته از علقه‌های عاطفی و عملکردی (Stokols & Shumaker, 1981), (Smaldone et al., 2005) است که مردم هویت خود را در آنها ادراک می‌کنند (Altman & Low, 1992) و زمانی گسترش می‌یابد که یک مکان از نظر مردمی که در آن زندگی می‌کنند، با اهمیت جلوه داده شود (Williams et al., 1995).

ابعاد دل‌بستگی به مکان

دل‌بستگی به مکان در واقع پدیده پیچیده و چندوجهی است که شامل جنبه‌های مختلفی از پیوند مردم-مکان همچون رفتار، احساس و آگاهی می‌شود که عناصر اصلی آن را تشکیل می‌دهند. این مفهوم دربرگیرنده احساس و تأثیرات، عقاید و باورها و رفتار و فعالیت در رابطه با مکان است (Proshansky et al., 1983), (Altman & Low, 1992). مردم، پیوندهای عاطفی خود را با مکان گسترش می‌دهند که این امر منجر به رضایت خاطر آنان می‌شود. به طوری که مکان اجازه کنترل، پرورش خلاقیت، امنیت و آرامش و فراهم آوردن قلمرو شخصی را می‌دهد (Altman & Low, 1992). با این حال، پیوندها نیز مستلزم ارزیابی و تمایز بیشتر در رابطه با جنبه‌هایی از معیارهای عینی مانند طول مدت اقامت و مشارکت در ناحیه محلی و شبکه‌های اجتماعی‌اند. بنابراین، دل‌بستگی مردم را نیز دخیل می‌کند، زیرا ارتباطات اجتماعی یک مکان به طور جدایی‌ناپذیری وابسته به فرایند دل‌بستگی است. این اجماع نظر از سوی آلتمن و لو (۱۹۹۲: ۷) به این مهم ختم شد که «...دل‌بستگی نه تنها در ساختار فیزیکی مکان، بلکه عمدتاً در معنا و تجربه در مکان که اغلب روابط میان مردم با یکدیگر را شامل می‌شود، وابسته است». بنابراین، شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان اساساً منتج از ارتباط افراد با یک مکان، معنی یا (معانی) شکل گرفته است. ریگر و لوراکس^۱ (۱۹۸۱) با استفاده از روش تحلیل عاملی، دو بعد یا دو نوع از دل‌بستگی به محله را مشخص کرده‌اند: ریشه‌داری^۲ یا دل‌بستگی کالبدی و علقه یا دل‌بستگی اجتماعی. در این رابطه، تیلور و دیگران (۱۹۸۵)، دل‌بستگی به مکان را با ابعاد زیر تعریف می‌کنند:

- وابستگی کالبدی: ریشه داشتن؛ که اشاره به قدمت مکان و زمان آشنایی دارد (معادل با پیوندهای کالبدی)
- وابستگی اجتماعی: قیدوبندهای بومی و محلی یا همان وابستگی‌های اجتماعی افراد و گروه‌ها در فضا (معادل با دل‌بستگی اجتماعی)

1. Riger and Lavrakas
2. rootedness

با در نظر گرفتن انسان، فرایندهای روان‌شناسی و ابعاد مکانی، اسکنل و گیفورد (۲۰۰۹)، اجزای حس دلبستگی را «محیط کالبدی یا مکان»، «کاربران یا اشخاص» و «فرایند دلبستگی» در نظر گرفته‌اند. اولین بعد، عامل کنشگر (فاعل) است؛ اینکه افراد تا چه حد به مکان دلبسته شده و چگونه دلبستگی بر اساس عوامل فردی و جمعی معنا را به تصویر می‌کشد؟ بعد دوم فرایند روان‌شناختی است؛ اینکه چگونه احساسات، شناخت و رفتار در دلبستگی آشکار می‌شوند؟ بعد سوم مفعول دلبستگی است که شامل مکان و ویژگی‌های آن می‌شود؛ به چه چیز [انسان] دلبسته می‌شود و ماهیت این مکان چیست؟ آگاهی از هر یک از سطوح این ابعاد، درکی جامع از دلبستگی به مکان را شکل می‌دهد. بر این اساس، چارچوب سه‌گانه‌ای از دلبستگی به مکان به تصویر کشیده می‌شود که دلبستگی به مکان را به عنوان مفهومی چندبعدی (PPP)^۱ پیشنهاد می‌دهد (شکل ۲).

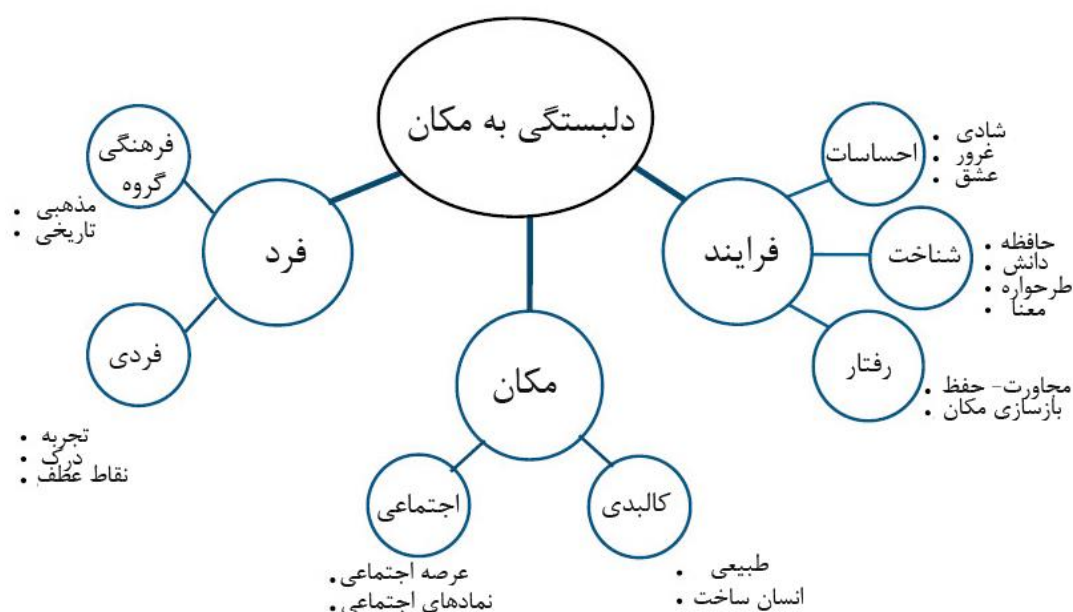
اولین بعد دلبستگی مربوط به فاعل (شخص) است. دلبستگی به مکان هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی رخ می‌دهد. در سطح فردی، پیوندهای شخصی فرد به مکان مد نظر است. به عنوان مثال، دلبستگی به مکان قادر به بازخوانی خاطرات فردی است و این نوع دلبستگی به مکان به حس پایداری فردی کمک می‌کند (Twigger- Ross & Uzzell, 1996). به‌طور مشابهی، مکان از دید شخصی به لحاظ تجارب مهمی همچون ادراکات و نقاط عطف معنادارتر می‌شود؛ همان‌طور که مانزو (۲۰۰۵)، در مطالعات مربوط به تجارب و مکان‌ها تصریح می‌کند: «این صرفاً مکان‌ها نیستند که شایان توجه‌اند، بلکه آنچه ما آن را «تجربه در مکان»^۲ می‌نامیم، معنای مکان را شکل می‌دهد (Manzo, 2005: 74).

دومین بعد دلبستگی به مکان مربوط به جنبه روانی و ماهیت تعاملات روان‌شناختی است که در محیط رخ می‌دهد و باعث پیوند افراد و گروه‌ها به مکان می‌شود. سه جنبه روانی دلبستگی به مکان شامل احساسات، ادراکات و رفتار است. برخی تعاریف دربرگیرنده همه این سه جزء است و برخی دیگر به یک یا دو مورد آنها تأکید می‌کنند. این سازمان‌دهی دلبستگی مکانی با دیگر مفاهیم روانی-اجتماعی مانند نگرش‌ها و تعصب‌ها که به‌وسیله عناصری همچون احساسات، ادراکات و رفتارها مشخص می‌شوند، مشترک است (Argenson, Wilson, Akert, & Fehr, 2005).

مهم‌ترین بعد دلبستگی به مکان مربوط به خود مکان است. سؤالی که به ذهن‌خطور می‌کند این است که یک مکان چه ویژگی‌ای باید داشته باشد تا افراد با آن ارتباط برقرار کنند. بیشتر تحقیقات صورت گرفته بر دلبستگی به مکان و مفاهیم مرتبط بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند؛ مردم به مکان‌هایی دلبسته می‌شوند که ارتباطات اجتماعی و هویت جمعی را تسهیل کند. فراید (۱۹۶۳)، نشان داد که پیوندهای قوی محله‌ای ناشی از روابط بین افراد است. مشخصه‌های کالبدی خاص همچون تراکم، مجاورت، وجود امکانات رفاهی و دیگر عرصه‌های اجتماعی بر این ارتباطات تأثیر می‌گذارند. ولدوف^۳ (۲۰۰۲)، بر این باور است که دلبستگی به مکان در واقع منوط به تعاملات اجتماعی است که مکان آنها را شکل می‌دهد. در مقابل، لالی (۱۹۹۲)، اظهار می‌دارد که پیوندهای فضایی مهم‌تراند، زیرا علقه‌های اجتماعی را نمادین می‌کنند. بنابراین، بخشی از پیوندهای مکان اجتماعی دربرگیرنده دلبستگی به دیگر چیزهایی است که افراد در مکان‌شان تعامل می‌کنند و بخشی از

1. Person, Place, Process
2. experience-in-place
3. Woldoff

آن دربرگیرنده دلبستگی به گروه اجتماعی است که مکان نشان می‌دهد. این نوع از دلبستگی و ادراکی که مکان، گروه اجتماعی فرد را نشان می‌دهد، بسیار نزدیک به هویت مکان است (Twigger-Ross & Uzzell, 1996). با این حال، دلبستگی مشخصاً می‌تواند بر جنبه‌های کالبدی مکان باقی بماند. (Stokols & Shumaker, 1981). نوع مکانی که افراد آن را با معنی می‌یابند، سطح گسترده‌تری از عرصه کالبدی را از محیط ساخته‌شده همچون خانه‌ها، خیابان‌ها، ساختمان‌های خاص گرفته تا عرصه‌های درونی غیرمسکونی از محیط طبیعی همچون دریاچه‌ها، پارک‌ها، مسیرهای پیاده‌روی، جنگل‌ها و کوه‌ها در برمی‌گیرد. جنبه‌های کالبدی، معانی موجود در یک مکان را تحمیل می‌کنند و بنابراین دلبستگی مکانی از لحاظ فیزیکی در معانی سمبولیک باقی می‌ماند (Knez, 2005).

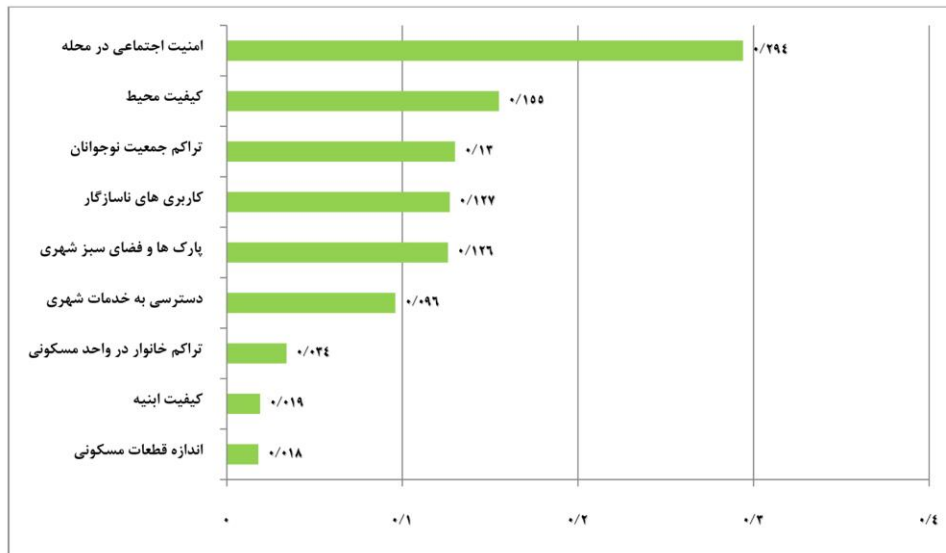


شکل ۲. ابعاد سه‌گانه دلبستگی به مکان (Scannell & Gifford, 2010: 2)

روش تحقیق

از آنجا که هدف این پژوهش تعیین روابط علی میان متغیر دلبستگی به مکان و ظرفیت‌های اجتماعی و مکانی است، پس تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی و پیمایشی و از نظر نوع تحلیل، همبستگی و به‌طور مشخص مبتنی بر مدل تحلیل رگرسیون است. برای جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک پرسش‌نامه استفاده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از طریق نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. درباره بررسی روایی، استادان و کارشناسان چندین بار پرسش‌نامه تحقیق را بازبینی کردند و نظرات انتقادی و پیشنهادهای اصلاحی آنان اعمال گردید. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه، ۳۳ پرسش‌نامه به عنوان پایلوت در محلات منتخب بررسی و تکمیل شد. میزان آلفای کرونباخ این پایلوت برای متغیر دلبستگی به مکان ۰/۷۱۰، و برای ظرفیت مکانی با حذف سؤال‌های نامرتب (دارای همبستگی پایین با دیگر سؤالات) ۰/۷۴۰ است.

درباره نحوه انتخاب محله‌های هدف در این پژوهش، در ابتدا با مشخص کردن شاخص‌های اثرگذار بر موضوع تحقیق که دربرگیرنده مجموعه‌ای از معیارها بود، پرسش‌نامه‌ای تدوین گردید. از جمله این معیارها می‌توان به دسترسی به خدمات شهری، وجود پارک‌ها و فضای سبز شهری، تراکم جمعیت نوجوانان (۱۲ تا ۱۶ ساله)، تراکم خانوار در واحد مسکونی، کیفیت بناها، اندازه قطعات مسکونی، کاربری‌های ناسازگار با بافت مسکونی، امنیت اجتماعی و کیفیت محیط شهری اشاره کرد. سپس پرسش‌نامه میان ۱۵ نفر از متخصصان امور شهری و دیگر دست‌اندرکاران مرتبط با مسائل نوجوانان توزیع شد و از آنان خواسته شد تا به شاخص‌های مورد نظر امتیاز دهند. در ادامه، پرسش‌نامه‌ها در نرم‌افزار EXPERT CHOISE وارد شد و وزن هر شاخص به دست آمد و پرسش‌نامه‌هایی که دارای خطای زیاد بود، حذف گردید و از بین پرسش‌نامه‌های باقیمانده، میانگین وزن شاخص‌ها محاسبه شد که شکل ۳ میزان اهمیت هر یک از شاخص‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۳. وزن‌دهی شاخص‌های شناسایی محلات منتخب

میزان ناسازگاری ماتریس پس از محاسبه، $0/07$ به دست آمد که با توجه به حداکثر قابل قبول برای میزان ناسازگاری ماتریس ($0/1$) نتیجه قابل قبول است. در مرحله بعد، لایه‌های مختلف اطلاعاتی مربوط به شاخص‌ها در محیط GIS تهیه و وضعیت هر محله در این لایه‌ها مشخص گردید و وزن هر شاخص در لایه مربوطه اعمال شد. برای مثال، اعمال وزن کیفیت بنا به لایه کیفیت بنا و... [در واقع وزن هر شاخص ضرب در مقادیر موجود در لایه اطلاعاتی شد تا ضرایبی به دست آید]. این ضرایب با توجه به داده‌های محله‌های مناطق بیست‌ودوگانه تهران، با روی هم‌گذاری شاخص‌ها به خروجی مدل تبدیل گردید و محلات بر اساس وزن به دست آمده مرتب شدند. در نهایت، در هر یک از سطوح چهارگانه، محله‌ای که بالاترین میزان امتیاز را کسب کرده بود، شناسایی شد و با توجه به خروجی نقشه تدقیق گردید. در این میان محله الهیه از پهنه اول در منطقه ۱، محله نارمک از پهنه دوم در منطقه ۸، محله هاشمی از پهنه سوم در منطقه ۱۰ و محله یافت‌آباد از پهنه چهارم در منطقه ۱۷ محله‌هایی بودند که به‌طور نسبی بیشترین امتیاز را به دست آوردند و در نهایت به عنوان محله‌های هدف انتخاب شدند. مقدار حجم نمونه نیز بر اساس فرمول کوکران و با دقت ۹۵ درصد بر اساس فرمول زیر برابر است با:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} \rightarrow n = \frac{(12756)(1/196)^2(3/7)}{(12756)(0/196)^2 + (1/196)^2(3/7)} = 443$$

با جایگزین کردن ارقام فوق در فرمول، تعداد نمونه‌ها به ۴۴۳ نفر رسید که با توجه به پراکنش جمعیتی و لزوم معرف بودن نمونه هر محله، ۳۳ نفر به حجم نمونه افزوده گردید و در نهایت ۴۷۶ پرسش‌نامه تکمیل شد؛ به نحوی که در هر محله تعداد نمونه‌ها کمتر از ۱۰۰ نفر نباشد (دواس، ۱۳۸۳: ۸۰). در جدول ۱ جمعیت و نمونه آماری در محلات چهارگانه تشریح شده است.

جدول ۱. جمعیت و نمونه آماری در محله‌های منتخب

محله	جمعیت		نمونه		نمونه تعدیل شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
الهیه	۲۳۸۴	۱۹	۸۴	۱۹	۱۰۲	۲۱
نارمک	۴۵۰۵	۳۵	۱۵۵	۳۵	۱۵۵	۳۳
هاشمی	۲۵۶۹	۲۰	۸۹	۲۰	۱۰۴	۲۲
یافت‌آباد	۳۲۹۸	۲۶	۱۱۵	۲۶	۱۱۵	۲۴
جمع	۱۲۷۵۶	۱۰۰	۴۴۳	۱۰۰	۴۷۶	۱۰۰

سپس در داخل محله‌ها، پاسخ‌گویان به روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شدند و با آنان مصاحبه صورت گرفت. بدین طریق که ابتدا تعداد واحدهای مسکونی در هر محله مشخص شد. سپس با تعیین نسبت نمونه‌گیری و پیدا کردن نقطه شروع، با استفاده از جدول اعداد تصادفی به درب منازل مراجعه گردید و با در نظر گرفتن نسبت سنی و جنسی با نمونه‌ها مصاحبه به عمل آمد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

در این قسمت شاخص‌های تحقیق به همراه همه سؤال‌های پرسش‌نامه و مؤلفه‌های تحقیق توصیف می‌شوند. در هر شاخص ابتدا سؤالاتی که طیف یکسانی دارند (مثلاً بر روی طیف ۱ تا ۵ طراحی شده‌اند) در قالب یک جدول توصیف می‌شوند. سپس جدول‌های مربوط به مؤلفه‌ها ارائه و نهایتاً جدول و نمودار مربوط به آن شاخص ترسیم می‌شوند.

شاخص ظرفیت مکانی

درباره ظرفیت مکانی، این متغیر از پنج مؤلفه ویژگی‌های محیط مسکونی، ادراک محیط، فعالیت‌ها و کاربری‌ها، ویژگی‌های زیست‌محیطی و امکانات محلی تشکیل شده است که هر یک از مؤلفه‌های ذکر شده به تعدادی گویه و سؤال تقسیم شده است. در آزمون مقدماتی برای سنجش این پنج مؤلفه، ۱۸ گویه طرح شد که پس از تحلیل فاقد اعتبار لازم (۰/۶۵۹) بود. پس از حذف سه گویه نامرتب «تا چه حد رنگ و نمای ساختمان‌های محله مطلوب و چشم‌نواز است» و «چه اندازه از آلودگی هوا در محله خود احساس ناراحتی می‌کنید» و «چه اندازه از آب‌گرفتگی و لغزندگی معابر در محله خود احساس ناراحتی می‌کنید»، میزان آلفا به شرح جدول ۲ تغییر کرد:

جدول ۲. نتایج آزمون اعتبار متغیر «ظرفیت مکانی» پس از حذف سؤالات غیرمرتبط

تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ بر اساس آیت‌های استاندارد	آلفای کرونباخ
۱۵	۰/۷۰۸	۰/۷۴۰

با توجه به میزان آلفا (۰/۷۴۰) این متغیر از پایایی لازم برخوردار است. در ادامه، جدول ۳ گویه‌های شاخص ظرفیت مکانی را نشان می‌دهد.

جدول ۳. توصیف گویه‌های شاخص ظرفیت مکانی

مؤلفه	سؤالات	میانگین (۱-۵)	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ
	تا چه اندازه ساختمان‌ها و آپارتمان‌های محله شما نوسازند؟	۳/۵۵	۳/۸	۶/۹	۳۴/۷	۳۹/۲	۱۵/۲	۰/۲
ویژگی‌های محیط مسکونی	تا چه اندازه کیفیت معابر محله خود را مطلوب و مناسب می‌دانید؟	۳/۰۲	۱۲/۸	۱۶/۶	۳۷/۳	۲۰/۶	۱۱/۸	۰/۸
	تا چه اندازه در محله‌تان فضای سبز وجود دارد؟	۳/۳۱	۷/۲	۱۶/۶	۳۰/۷	۲۹/۵	۱۶/۰	۰
	تا چه اندازه محله‌ای که در آن زندگی می‌کنید، شلوغ و پرجمعیت است؟	۳/۷۱	۱/۵	۶/۵	۳۴/۹	۳۳/۳	۲۳/۴	۰/۴
ادراک محیط	تا چه اندازه محله خود را یک محله سرزنده و جذاب می‌دانید؟	۳/۲۸	۱۰/۳	۱۱/۸	۳۴/۳	۲۶/۳	۱۶/۸	۰/۴
فعالیت‌ها و کاربری‌های مزاحم	تا چه اندازه در محله‌تان، مشاغلی مانند تعمیرگاه اتومبیل یا فعالیت‌های آزاردهنده وجود دارد که برای شما ناخوشایند است؟	۲/۸۳	۱۶/۶	۲۵/۷	۲۶/۹	۱۷/۹	۱۲/۲	۰/۶
ویژگی‌های زیست‌محیطی	سروصدای ماشین‌ها و ترافیک در کوچه و خیابان‌های محله	۲/۷۸	۲۴/۰	۲۱/۷	۲۲/۵	۱۵/۴	۱۶/۲	۰/۲
	وجود حشرات و حیوانات موذی مانند موش	۲/۳۸	۳۸/۱	۲۱/۷	۱۶/۸	۱۰/۵	۱۲/۸	۰
	کثیفی محله و خیابان	۲/۶۲	۲۳/۸	۲۸/۲	۲۲/۹	۱۱/۶	۱۳/۱	۰/۴
	تا چه اندازه در محله شما مکان‌هایی برای گذران اوقات فراغت و بازی کردن وجود دارد؟	۳/۰۳	۱۵/۴	۱۶/۸	۲۸/۸	۲۲/۱	۱۴/۳	۲/۵
	مراجعه به پارک و زمین بازی	۲/۸۶	۱۸/۹	۲۰/۲	۳۱/۲	۱۵/۲	۱۴/۵	۰
امکانات محلی	مراجعه به مراکز ورزشی	۲/۷۰	۲۲/۹	۲۱/۹	۲۷/۶	۱۷/۳	۱۰/۱	۰/۲
	مراجعه به کانون فرهنگی و کتابخانه	۲/۴۱	۳۳/۱	۲۲/۵	۲۱/۷	۱۴/۱	۷/۸	۰/۸
	مراجعه به گیم‌نت و کافی‌نت	۲/۳۷	۴۰/۶	۱۶/۸	۱۷/۱	۱۲/۴	۱۱/۸	۱/۳
	مراجعه به مراکز مذهبی	۲/۹۱	۲۱/۳	۱۵/۴	۲۸/۴	۱۹/۸	۱۴/۵	۰/۶

مطابق جدول ۳، کمترین میانگین مربوط به سؤالات مراجعه به گیم‌نت و کافی‌نت و وجود حشرات و حیوانات موذی است. در بین سؤالات جدول فوق، سؤال مربوط به شلوغ و پرجمعیت بودن محله بیشترین میانگین را کسب کرده است. علاوه بر سؤالی که در جدول ۳ برای سنجش مؤلفه ادراک محیط وجود دارد، سؤال دیگری نیز برای سنجش این مؤلفه با این مضمون پرسیده شد: «آیا در محله‌تان مکان یا ساختمان خاصی هست که برای آدرس دادن به دیگران یا جهت‌یابی خود از آن استفاده کنید؟» ۴۸ درصد پاسخ‌گویان گفته‌اند که در محله‌شان مکانی وجود دارد که همیشه یا بیشتر اوقات می‌توانند از آن برای آدرس دادن یا جهت‌یابی استفاده کنند. از جمع ۱۵ سؤالی که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شد، شاخص ظرفیت مکانی محله ساخته شده است که نتایج آن در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب ارزیابی از ظرفیت مکانی در محله‌های منتخب

میانگین	درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	
	۹/۱	۹/۱	۴۳	کم (منفی)
	۸۸/۸	۷۹/۸	۳۷۹	متوسط
۵۰/۲	۱۰۰/۰	۱۱/۲	۵۳	زیاد (مثبت)
	-	۱۰۰/۰	۴۷۵	جمع

فقط ۱۱/۲ درصد از نوجوانان ارزیابی مثبتی از ظرفیت مکانی محله‌شان داشته‌اند. ۷۹/۸ درصد ارزیابی متوسط و ۹/۱ درصد ارزیابی منفی داشته‌اند. میانگین ارزیابی پاسخ‌گویان بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۵۰/۲ است که تقریباً مساوی نقطه وسط طیف است.

شاخص دل‌بستگی به مکان

برای سنجش شاخص دل‌بستگی به مکان از سه مؤلفه و ۸ گویه استفاده شد. همان‌گونه که در جدول ۵ نشان داده شده است، این شاخص از اعتبار کافی (۰/۷۱۰) برخوردار بوده است. با توجه به میزان آلفا (۰/۷۱۰) این متغیر از پایایی لازم برخوردار است.

جدول ۵. نتایج آزمون اعتبار متغیر دل‌بستگی به مکان

تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ بر اساس آیتم‌های استاندارد	آلفای کرونباخ
۸	۰/۶۷۳	۰/۷۱۰

درباره توصیف گویه‌های شاخص دل‌بستگی به محله، همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، در تمام سؤالات جز سؤال «تا چه اندازه در محل زندگی‌تان، مکان‌های خاصی وجود دارند که توجه شما را جلب کند؟»، میانگین از نقطه وسط طیف یعنی عدد ۳ بالاتر است. بیشترین میانگین مربوط به داشتن خاطره‌های خوب از محله و کمترین میانگین نیز مربوط به وجود مکان‌های خاص در محله است.

جدول ۶. توصیف گویه‌های شاخص دل‌بستگی به محله

مؤلفه	سوالات	میانگین (۱-۵)	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ
هویت مکان	تا چه حد دوست دارید در همین محله فعلی‌تان زندگی کنید؟	۳/۵۸	۸/۴	۹/۱	۳۰/۱	۲۰/۸	۳۱/۴	۰/۲
	چقدر از محل سکونت خود خاطره‌های خوب و به‌یادماندنی دارید؟	۳/۷۰	۵/۱	۱۰/۵	۲۵/۵	۲۷/۴	۳۱/۶	۰
	تا چه اندازه در محل زندگی‌تان، مکان‌های خاصی وجود دارند که توجه شما را جلب کند؟	۲/۹۵	۱۴/۵	۱۹/۲	۳۳/۹	۲۰/۲	۱۱/۶	۰/۶
وابستگی به مکان	فکر می‌کنید اگر بنا به دلایلی مجبور به ترک محله خود شوید، چقدر ناراحت خواهید شد؟	۳/۲۴	۱۵/۲	۱۵/۶	۲۳/۴	۲۱/۳	۲۴/۴	۰/۲
	تا چه حد از زندگی در این محله احساس آرامش و آسایش می‌کنید؟	۳/۴۹	۷/۶	۸/۴	۳۴/۵	۲۵/۷	۲۳/۲	۰/۶
	تا چه حد در مقابل حفظ و نگهداری محله‌تان، احساس مسئولیت می‌کنید؟	۳/۴۵	۷/۴	۱۰/۵	۳۰/۱	۳۳/۱	۱۸/۳	۰/۶
پیوندهای اجتماعی	تا چه حد با همسایگانتان، رابطه دوستانه دارید؟	۳/۱۵	۱۲/۶	۱۴/۳	۳۳/۵	۲۳/۴	۱۵/۸	۰/۴
	در صورت بروز مشکل و ناراحتی تا چه حد به همسایگانتان کمک می‌کنید؟	۳/۱۷	۱۰/۵	۱۲/۴	۳۹/۲	۲۴/۶	۱۳/۱	۰/۲

برای سنجش مؤلفه وابستگی به مکان علاوه بر سؤال‌های مربوط به این مؤلفه که در جدول ۶ ارائه شده است، دو سؤال «طول مدت اقامت در محله» و «محل سکونت قبلی پاسخ‌گویان» نیز پرسیده شد. تجمیع نتایج نمایانگر این است که در محلات منتخب ۱۷/۳ درصد جمعیت تحت مطالعه دو سال و کمتر در منطقه ساکن بوده‌اند، ۱۷/۷ درصد بین ۲ تا ۵ سال و ۶۴/۶ درصد بیشتر از ۵ سال در منطقه مقیم بوده‌اند. از مجموع ۱۰ سؤال پرسش‌نامه که توصیف آن در گویه‌های شاخص دل‌بستگی به محله و نیز طول مدت سکونت و محل سکونت قبلی ساکنان ارائه شد، شاخص دل‌بستگی به محله ساخته شده است. بر این اساس، ۷/۴ درصد پاسخ‌گویان دل‌بستگی کمی به محله خود دارند. ۶۰/۲ درصد دل‌بستگی متوسط و ۳۲/۴ درصد نیز دل‌بستگی زیاد به محله خود دارند. میانگین ۵۷/۶ از ۱۰۰ حاکی از دل‌بستگی بالاتر از متوسط نوجوانان به محله خود است (جدول ۷).

جدول ۷. توزیع پاسخ‌گویان برحسب شاخص دل‌بستگی به محله

میانگین	درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی
	۷/۴	۷/۴	۳۵
۵۷/۶	۶۷/۶	۶۰/۲	۲۸۶
	۱۰۰	۳۲/۴	۱۵۴
	-	۱۰۰	۴۷۵

مقایسه محله‌ها از نظر شاخص‌های تحقیق

در این قسمت، شاخص دل‌بستگی به مکان و ظرفیت مکانی را به تفکیک در چهار محله تحت بررسی مقایسه گردید و در این راستا به منظور مقایسه محله‌ها از آزمون F یا تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. در آزمون پارامتریک F (تحلیل واریانس یک‌طرفه)^۱ متغیر مستقل، اسمی یا ترتیبی سه‌وجهی یا بیشتر و متغیر وابسته فاصله‌ای است. در صورتی که آزمون F بین ۴ محله به صورت کلی تفاوت معنادار از نظر شاخص تحت نظر تشخیص داده شود، برای مقایسه محلات با همدیگر از آزمون تک‌میلی Tukey نیز استفاده خواهد شد. با استفاده از این آزمون در واقع ۴ محله خوشه‌بندی شده و به عبارت دیگر به این سؤال پاسخ داده می‌شود که از نظر شاخص تحت بررسی، کدام محله‌ها شبیه هم و کدام محله‌ها با هم متفاوت‌اند.

شاخص دل‌بستگی به محله

نتایج آزمون F نشان می‌دهد در دو متغیر هویت مکان و وابستگی به مکان و همچنین شاخص دل‌بستگی به محله بین محله‌های تحت بررسی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون F برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص دل‌بستگی به محله

متغیر	محله	تعداد	میانگین	F	معناداری
هویت مکان	الهیه	۱۰۲	۷۰/۲۶۱۴	۱۹/۷۹۲	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۵/۰۷۰۳		
	هاشمی	۱۰۴	۵۳/۸۴۶۲		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۵۰/۶۵۲۲		
وابستگی به مکان	الهیه	۱۰۲	۶۰/۹۵۵۹	۹/۱۷۴	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۰/۷۷۹۲		
	هاشمی	۱۰۴	۵۲/۰۴۳۳		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۵۴/۴۸۹۱		
پیوندهای اجتماعی	الهیه	۱۰۲	۵۱/۷۱۵۷	۰/۶۱۶	۰/۶۰۵
	نارمک	۱۵۴	۵۵/۶۰۰۶		
	هاشمی	۱۰۴	۵۵/۲۸۸۵		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۵۳/۲۶۰۹		
شاخص دل‌بستگی به محله	الهیه	۱۰۲	۶۱/۸۹۸۱	۱۱/۱۵۳	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۱/۰۴۴۴		
	هاشمی	۱۰۴	۵۳/۲۲۹۲		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۵۳/۰۹۹۰		

۱. این آزمون گروه‌ها را از نظر میانگین نمره متغیر وابسته با هم مقایسه کرده و معناداری یا عدم معناداری اختلاف بین میانگین گروه‌ها را بررسی می‌کند.

معناداری متناظر با آزمون F نشان می‌دهد تفاوت مشاهده‌شده در نمونه با در نظر گرفتن یک درصد خطا، قابل تعمیم به جامعه آماری است. در متغیر پیوندهای اجتماعی بین ۴ محله تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد از نظر متغیر هویت مکان دو محله یافت‌آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند، به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت‌آباد و هاشمی وابستگی بیشتری دارند. از نظر متغیر وابستگی به مکان نیز دو محله یافت‌آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند، به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت‌آباد و هاشمی وابستگی بیشتری به محله‌شان دارند. در مجموع یافته‌های آزمون Tukey از نظر شاخص دل‌بستگی به محله نشان می‌دهد دو محله یافت‌آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند؛ به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت‌آباد و هاشمی دل‌بستگی بیشتری به محله‌شان دارند.

جدول ۹. نتایج آزمون Tukey برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص دل‌بستگی به محله

گروه‌ها	تعداد	
	۱	۲
یافت‌آباد	۵۳/۰۹۹۰	۱۱۵
هاشمی	۵۳/۳۲۹۲	۱۰۴
نارمک	۶۱/۰۴۴۴	۱۵۴
الهیه	۶۱/۸۹۸۱	۱۰۲
معناداری	۱/۰۰۰	۰/۹۷۵

شاخص ظرفیت مکانی

نتایج آزمون F نشان می‌دهد در همه متغیرهای شاخص ظرفیت مکانی، بین محله‌های تحت بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. معناداری متناظر با آزمون F نشان می‌دهد تفاوت مشاهده‌شده در نمونه با در نظر گرفتن یک درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری است.

نتایج آزمون Tukey حاکی از آن است که از نظر متغیر «ویژگی‌های محیط مسکونی»، محله هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک، یافت‌آباد و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند؛ به گونه‌ای که نوجوانان سه محله نارمک، یافت‌آباد و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان محله هاشمی از نظر ویژگی‌های محیط مسکونی در وضعیت بهتری به سر می‌برند. از نظر متغیر «ادراک محیط»، محله‌های هاشمی و یافت‌آباد در یک خوشه، نارمک در یک خوشه و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفته است. به این ترتیب، نوجوانان محله الهیه نسبت به نوجوانان محله نارمک ادراک بهتری از محیط دارند. همچنین نوجوانان محله نارمک نسبت به دو محله هاشمی و یافت‌آباد ادراک بهتری از محیط دارند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون F برای مقایسهٔ محله‌ها از نظر شاخص ظرفیت مکانی

متغیر	محله	تعداد	میانگین	F	معناداری
ویژگی‌های محیط مسکونی	الهیه	۱۰۲	۶۳/۸۸۸۹	۸/۱۶۵	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۵۹/۹۴۳۲		
	هاشمی	۱۰۴	۵۳/۹۸۶۴		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۶۱/۵۱۶۱		
ادراک محیط	الهیه	۱۰۱	۶۶/۷۶۱۰	۲۴/۰۲۵	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۵۸/۷۱۹۹		
	هاشمی	۱۰۴	۴۳/۶۸۱۳		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۴۶/۷۰۸۱		
فعالیت‌ها و کاربری‌های مزاحم	الهیه	۱۰۱	۳۹/۶۰۴۰	۷/۱۸۵	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۲	۳۹/۸۰۲۶		
	هاشمی	۱۰۴	۵۱/۹۲۳۱		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۵۳/۶۹۵۷		
ویژگی‌های زیست‌محیطی	الهیه	۱۰۲	۷۱/۵۲۷۸	۱۴/۷۳۲	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۳/۴۴۷۰		
	هاشمی	۱۰۴	۴۹/۸۷۹۸		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۵۵/۰۷۲۵		
امکانات محله	الهیه	۱۰۲	۴۱/۰۲۵۳	۴/۶۰۲	۰/۰۰۳
	نارمک	۱۵۴	۴۲/۹۲۷۵		
	هاشمی	۱۰۴	۳۸/۸۳۸۱		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۴۸/۰۷۹۷		
شاخص ظرفیت مکانی	الهیه	۱۰۲	۵۴/۷۷۰۰	۱۴/۹۹۸	۰/۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۵۲/۱۲۴۸		
	هاشمی	۱۰۴	۴۳/۳۸۰۱		
	یافت‌آباد	۱۱۵	۴۹/۸۶۴۳		

از نظر متغیر «فعالیت‌ها و کاربری‌های مزاحم»، دو محلهٔ یافت‌آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشهٔ دیگری قرار گرفتند؛ به گونه‌ای که نوجوانان دو محلهٔ نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محلهٔ یافت‌آباد و هاشمی وجود فعالیت‌های مزاحم در محله‌شان را کمتر گزارش کرده‌اند. از نظر ویژگی‌های

زیست‌محیطی، نتایج آزمون نشان می‌دهد محله هاشمی به همراه محله یافت‌آباد می‌تواند در یک خوشه قرار بگیرد. از طرف دیگر، محله یافت‌آباد با محله نارمک نیز تشکیل خوشه دیگری می‌دهند و در نهایت، محله نارمک با الهیه نیز می‌تواند در یک خوشه قرار بگیرند. در نهایت، نتایج آزمون گویای آن است که محله هاشمی، به همراه محله الهیه و نارمک می‌تواند از نظر امکانات محله در یک خوشه قرار بگیرد. از طرف دیگر، محله نارمک با محله یافت‌آباد نیز تشکیل خوشه دیگری می‌دهند. در مجموع، نتایج جدول ۱۱ که بر اساس آزمون Tukey حاصل شده است، نشان می‌دهد محله هاشمی کمترین میزان ظرفیت مکانی را در بین محله‌ها داراست و خود به تنهایی در یک خوشه قرار می‌گیرد. محله یافت‌آباد و نارمک نیز در خوشه دیگری قرار می‌گیرند و از طرف دیگر، محله نارمک نیز با محله الهیه تشکیل خوشه دیگری می‌دهند. به این ترتیب، کمترین ظرفیت مکانی متعلق به محله هاشمی و بیشترین ظرفیت مکانی متعلق به محله الهیه است.

جدول ۱۱. نتایج آزمون Tukey برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص ظرفیت مکانی

محله	تعداد	۱	۲	۳
هاشمی	۱۰۴	۴۳/۳۸۰		
یافت‌آباد	۱۱۵		۴۹/۸۶۴۳	
نارمک	۱۵۴		۵۲/۱۲۴۸	۵۲/۱۲۴۸
الهیه	۱۰۲			۵۴/۷۷۰۰
معناداری		۰۰۰/۱	۰/۵۴۶	۰/۴۰۷

رابطه شاخص ظرفیت مکانی با دل‌بستگی به محله

برای آزمون فرضیات با توجه به اینکه توزیع متغیرها نرمال است، از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود. در این میان، برای سنجش رابطه دو متغیر، ضریب همبستگی پیرسون به کار گرفته شده است و برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های متغیر مستقل (ظرفیت مکانی) بر متغیر وابسته (دل‌بستگی به محله) از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش Stepwise استفاده می‌شود:

بر این اساس، از بین مؤلفه‌های ظرفیت مکانی، متغیر ادراک محیط بیشترین همبستگی را با متغیر دل‌بستگی به محله دارد. ضریب پیرسون برابر با ۰/۵۶۴ است که همبستگی بین دو متغیر مذکور را قوی نشان می‌دهد. پس از آن، مؤلفه‌های امکانات محله، ویژگی‌های محیط مسکونی، ویژگی‌های زیست‌محیطی و فعالیت‌های مزاحم در محله قرار دارند. به جز متغیر وجود فعالیت‌های مزاحم در محله، دیگر مؤلفه‌ها همبستگی مثبت با متغیر دل‌بستگی به محله دارند. با توجه به اینکه مقدار معناداری در همه مؤلفه‌ها کمتر از ۰/۰۵ است، همبستگی‌های مشاهده‌شده در نمونه حداکثر با ۵ درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری است.

ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین متغیر شاخص ظرفیت مکانی و دل‌بستگی به محله ۰/۵۱۴

است که حاکی از همبستگی قوی بین دو متغیر است. به عبارت دیگر هر چه ظرفیت‌های مکانی محله بیشتر باشد، دل‌بستگی نوجوانان به محله نیز بیشتر خواهد بود. مقدار معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است که نشان می‌دهد همبستگی مشاهده‌شده در نمونه با ۱ درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری است.

جدول ۱۲. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان مؤلفه‌های ظرفیت مکانی و دل‌بستگی به محله

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	معناداری
ویژگی‌های محیط مسکونی	۰/۲۹۵	۰/۰۹	۰/۰۰۰
ادراک محیط	۰/۵۶۴	۰/۳۲	۰/۰۰۰
فعالیت‌های مزاحم	-۰/۱۱۳	۰/۰۱	۰,۰۱۴
ویژگی‌های زیست‌محیطی	۰/۲۵۴	۰/۰۶	۰/۰۰۰
امکانات محله	۰/۳۶۴	۰/۱۳	۰/۰۰۰
شاخص ظرفیت مکانی	۰/۵۱۴	۰/۲۶	۰/۰۰۰

در ادامه، مؤلفه‌های ظرفیت مکانی در دستگاه رگرسیون قرار داده شد تا بدین وسیله بتوان به‌طور دقیق‌تر بیان کرد که ۵ مؤلفه ظرفیت مکانی در مجموع چند درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون به روش «گام‌به‌گام» نشان می‌دهد که در مرحله اول، متغیر ادراک محیط وارد معادله رگرسیون شده است (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. بررسی ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین برای بررسی رابطه میان مؤلفه‌های ظرفیت مکانی و دل‌بستگی به محله

مرحله	متغیرها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	F	معناداری
۱	ادراک محیط	۰/۵۶۴	۰/۳۲۰	۲۲۱/۵۸۲	۰/۰۰۰
۲	ادراک محیط امکانات محله	۰/۵۹۸	۰/۳۵۸	۱۳۰/۷۶۱	۰/۰۰۰
۳	ادراک محیط امکانات محله ویژگی‌های زیست‌محیطی	۰/۶۰۵	۰/۳۶۶	۹۰/۱۹۲	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول ۱۳ مشاهده می‌شود، مؤلفه ادراک محیط با متغیر دل‌بستگی به محیط دارای همبستگی قوی (۰/۵۶۶) است. این متغیر به‌تنهایی حدود ۳۲ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کند. در مراحل بعد به ترتیب مؤلفه‌های امکانات محله و ویژگی‌های زیست‌محیطی، وارد معادله رگرسیون شده‌اند. متغیرهای وجود فعالیت‌های مزاحم در محله و ویژگی‌های محیط مسکونی از معادله حذف شده‌اند. به عبارت دیگر، این دو متغیر (وجود فعالیت‌های مزاحم در محله و ویژگی‌های محیط مسکونی) با وجود سه متغیر (ادراک محیط، امکانات محله و ویژگی‌های زیست‌محیطی) تأثیر چندانی بر متغیر دل‌بستگی به محله ندارند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد بین سه مؤلفه ظرفیت مکانی که در معادله رگرسیون باقی مانده‌اند با متغیر دل‌بستگی به محله، همبستگی چندگانه قوی برقرار است. در مجموع ۳ مؤلفه ظرفیت مکانی حدود ۳۷ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کنند. با توجه به توزیع F ، همه ضرایب همبستگی و ضرایب تبیین معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری کل است. در جدول ۱۴ ضرایب رگرسیون برای هر کدام از مؤلفه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۱۴. ضرایب رگرسیون برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های ظرفیت مکانی بر دل‌بستگی به محله

مرحله	متغیرها	B	Beta	T	معناداری
۱	عرض از مبدأ	۳۷/۴۶۶	-	۲۵/۲۵۸	۰/۰۰۰
	ادراک محیط	۰/۳۷۲	۰/۵۶۶	۱۴/۸۸۶	۰/۰۰۰
۲	عرض از مبدأ	۳۲/۶۲۳	-	۱۹/۰۳۶	۰/۰۰۰
	ادراک محیط	۰/۳۲۹	۰/۵۰۱	۱۲/۸۴۳	۰/۰۰۰
	امکانات محله	۰/۱۶۷	۰/۲۰۴	۵/۲۴۱	۰/۰۰۰
۳	عرض از مبدأ	۳۰/۰۸۵	-	۱۵/۱۴۰	۰/۰۰۰
	ادراک محیط	۰/۳۰۷	۰/۴۶۸	۱۱/۴۱۷	۰/۰۰۰
	امکانات محله	۰/۱۷۲	۰/۲۱۱	۵/۴۲۶	۰/۰۰۰
	ویژگی‌های زیست‌محیطی	۰/۰۵۸	۰/۰۹۷	۲/۴۸۴	۰/۰۱۳

نتایج جدول ۱۴ نشان می‌دهد در مرحله سوم که سه مؤلفه ظرفیت مکانی، وارد معادله رگرسیون شده‌اند، عرض از مبدأ ۳۰/۰۸۵ است. در صورتی که هر سه مؤلفه مذکور برابر با صفر باشد، میزان متغیر دل‌بستگی به محله به میزان ۳۰/۰۸۵ (از ۱۰۰) خواهد بود. ضریب استاندارد رگرسیون برای مؤلفه ادراک محیط ۰/۴۶۸ است که نشان می‌دهد با فرض ثابت بودن دیگر مؤلفه‌ها، به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در مؤلفه ادراک محیط، ۰/۴۶۸ واحد انحراف استاندارد تغییر در همان جهت در متغیر دل‌بستگی به محله به‌وجود خواهد آمد. ضریب استاندارد رگرسیون برای مؤلفه امکانات محله ۰/۲۱۱ است که نشان می‌دهد با فرض ثابت بودن دیگر مؤلفه‌ها، به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در مؤلفه امکانات محله، ۰/۲۱۱ واحد انحراف استاندارد تغییر در همان جهت در متغیر دل‌بستگی به محله به‌وجود خواهد آمد. ضریب استاندارد رگرسیون برای مؤلفه ویژگی‌های زیست‌محیطی ۰/۰۹۷ است که می‌دهد با فرض ثابت بودن دیگر

مؤلفه‌ها، به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در مؤلفه ویژگی‌های زیست‌محیطی، ۰/۰۹۷ واحد انحراف استاندارد تغییر در همان جهت در متغیر دل‌بستگی به محله به وجود خواهد آمد. تمامی ضرایب عرض از مبدأ و ضرایب رگرسیون با توجه به توزیع T معنادار بوده و ضرایب مشاهده‌شده در نمونه قابل تعمیم به جامعه آماری کل است.

نتیجه‌گیری

مناطق شهری به مثابه نقاط عطف جوامع انسانی، مرکز تجمع افراد و اشیای مادی‌اند که می‌توان از زوایای مختلف به جمعی از این نوع، و فضایی که اشغال می‌کنند و دوباره به آن شکل می‌دهند نگریست. نوع نگاه به فضای شهری می‌تواند بر اساس الگوهای متفاوت مردم در خلق مکان‌ها و محله‌های متنوع باشد. به عنوان گزینه‌ای دیگر می‌توان فضای شهری را از دیدگاه افرادی نگریست که بر اساس ظرفیت ذهنی‌شان درک متفاوتی از شهرها دارند. بدین طریق، می‌توان به تعداد همان افراد، به درک‌های متفاوتی از فضای شهری رسید. در واقع، محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند، تأثیرات عمیقی بر ظرفیت مکان و تغییرات زندگی می‌گذارد. این اثرات از سوی برخی شاخص‌ها همچون میزان امنیت، سطح آلودگی، فرصت‌های اشتغال، دسترسی به کیفیت خدمات و دسترسی به فضای سبز تحت تأثیر محیطی قرار می‌گیرد که برنامه‌ریزی، طراحی و نگهداری می‌شود.

در این تحقیق، دو محله یافت‌آباد و هاشمی از نظر شاخص دل‌بستگی به محله، در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند؛ به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت‌آباد و هاشمی دل‌بستگی بیشتری به محله‌شان دارند. درباره متغیر ظرفیت مکانی که دربرگیرنده پنج مؤلفه ویژگی‌های محیط مسکونی، ادراک محیط، فعالیت‌ها و کاربری‌های مزاحم، ویژگی‌های زیست‌محیطی و امکانات محلی است، در همه متغیرهای شاخص ظرفیت مکانی، بین محله‌های تحت بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. در مجموع نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد محله هاشمی کمترین میزان ظرفیت مکانی را در بین محله‌ها داراست و بیشترین ظرفیت مکانی متعلق به محله الهیه است. ارتباط متغیر ظرفیت مکانی با دل‌بستگی به محله حاکی از همبستگی قوی بین دو متغیر است. به عبارت دیگر، هر چه ظرفیت‌های مکانی محله بیشتر باشد، دل‌بستگی نوجوانان به محله نیز بیشتر خواهد بود. در ادامه، مؤلفه‌های ظرفیت مکانی در دستگاه رگرسیون قرار داده شد تا بدین وسیله بتوان به‌طور دقیق‌تر بیان کرد که پنج مؤلفه ظرفیت مکانی در مجموع چند درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون به روش «گام‌به‌گام» نشان می‌دهد در مرحله اول، متغیر ادراک محیط وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر به‌تنهایی حدود ۳۲ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کند. در مراحل بعد، به‌ترتیب مؤلفه‌های امکانات محله و ویژگی‌های زیست‌محیطی، وارد معادله رگرسیون شده‌اند و متغیرهای وجود فعالیت‌های مزاحم در محله و ویژگی‌های محیط مسکونی از معادله حذف شده‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد بین ۳ مؤلفه ظرفیت مکانی که در معادله رگرسیون باقی مانده‌اند با متغیر دل‌بستگی به محله، همبستگی چندگانه قوی برقرار است. در مجموع، این مؤلفه ظرفیت مکانی حدود ۳۷ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کند که با توجه به توزیع F ، همه ضرایب همبستگی و ضرایب تبیین معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری کل است.

منابع

- دانشپور، عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ چرخیان، مریم؛ (۱۳۸۸). تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸.
- عارفی، مهیار؛ (۱۳۸۰). به سوی رویکرد دارایی‌مبنا برای توسعه اجتماع محلی، ترجمه نوین تولایی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
- قاضی‌زاده، سیده ندا؛ (۱۳۹۰). تأثیر طراحی فضای باز مجتمع مسکونی در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان، پایان‌نامه دکتری معماری، تهران، دانشگاه تهران.
- منصوری، امیر؛ قره‌بیگلو، مینو؛ (۱۳۹۰). کیفیت فضای باز شهری در تعامل با کودکان، فصلنامه علمی - پژوهشی شهر ایرانی - اسلامی، سال دوم، شماره ششم.
- Aronson, E., Wilson, T. D., Akert, R. M., & Fehr, B. (2005). *Social psychology*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Chapman, M., and Kirk, K. (2001) *Lessons for Community Capacity Building: A summary of the research evidence*. Research review to Scottish Homes (full text accessible through scot-homes.gov.uk).
- Chow, Kenny & Healey, Mick (2008); Place attachment and place identity: First-year undergraduates making the transition from home to university, *Journal of Environmental Psychology*, No.28, PP:362-372.
- Giuliani, M. V. (2003). Theory of attachment and place attachment. In M. Bonnes, T. Lee, & M. Bonaiuto (Eds.), *Psychological theories for environmental issues* (pp.137-170). Aldershot: Ashgate.
- Kretzmann, J. & J. McKnight (1993), *Building Communities from the Inside Out: a Path toward Finding and Mobilizing a Community's Assets*, Chicago, IL: ACTA Publications.
- Knez, I. (2005). Attachment and identity as related to a place and its perceived climate. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 207-218.
- Liou, Jaeik (2004); *Community Capacity Building to Strengthen Socio-Economic Development with Spatial Asset Mapping*, 3rd FIG Regional Conference Jakarta, Indonesia, October 3-7, 2004.
- Low, S. M. (1992). Symbolic ties that bind. In I. Altman, & S. M. Low (Eds.), *Place attachment* (pp. 165-185). New York: Plenum Press.
- Manzo, L. C. (2005). For better or worse: exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 67-86.
- Proshansky, H., Fabian, A.K., & Kaminoff, R. (1983). Place identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 3, 57-83.
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion Limited.
- Sanders, S., Bowie, S. L., & Bowie, Y. D. (2003). Lessons learned on forced relocation of older adults: the impact of hurricane Andrew on health, mental health, and social support of public housing residents. *Journal of Gerontological Social Work*, 40, 23-35.
- Scannell, Leila & Gifford, Robert (2010); Defining place attachment: A tripartite organizing framework, *Journal of Environmental Psychology*, No. 30.
- Stokols, D., and Shumaker, S.A. (1981), 'People in places: A transactional view of settings', In

- J. Harvey (Eds.), *Cognition, Social behavior, and the environment*, Hillsdale, Erlbaum, pp.441-488.
- Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L. (1996). Place and identity processes. *Journal of Environmental Psychology*, 16, 205–220.
- Verity, Fiona (2007); *Community Capacity Building – A review of the literature*; Prepared for the Department of Health, Health Promotion Branch, School of Social Administration and Social Work, Flinders University of South Australia. Available at: <http://www.health.sa.gov.au/pehs/branches/health-promotion/0711-capacity-building-review-lit.pdf>.
- Wilke, Julie (2006); *Understanding the Asset-based Approach to Community Development*, Available at: <http://www.neighboraustin.com/PDF/Understanding%20the%20Asset-based%20Approach%20to%20Community%20Development.pdf>.
- Williams, D. R., Patterson, M. E., Roggenbuck, J.W., & Watson, A. E. (1992). Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place. *Leisure Sciences*, 14, 29-46.

Archive of SID